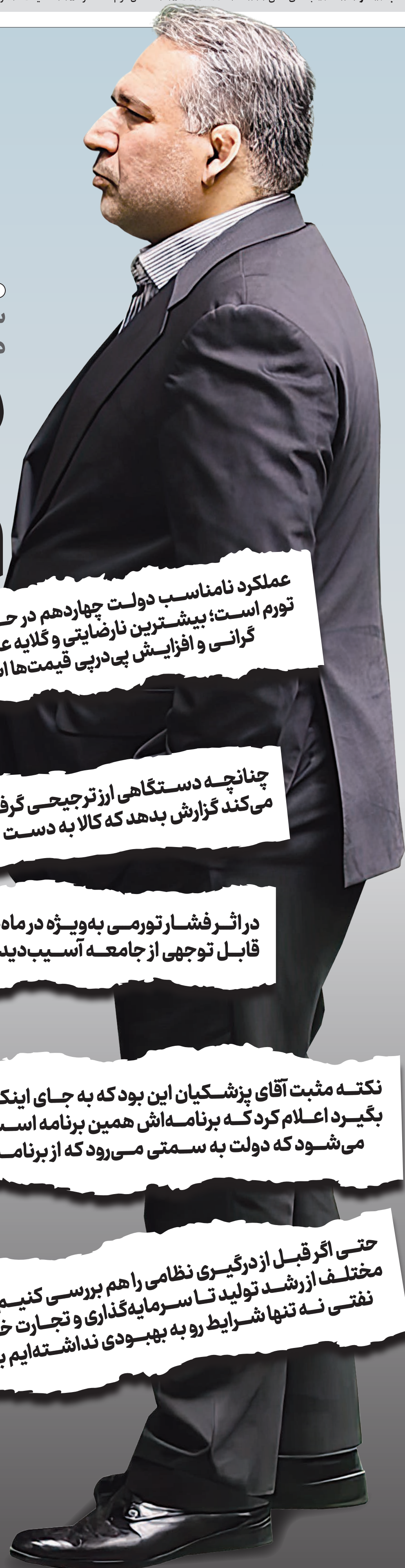




۲۷

سید شمس‌الدین حسینی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس
در گفت‌وگو با چارسوگ تشریح کرد

نقطه ضعف دولت چهاردهم افزایش تورم است

عملکرد نامناسب دولت چهاردهم در حوزه اقتصاد،
تورم است؛ بیشترین نارضایتی و گلایه عامه مردم از
گرانی و افزایش پی‌درپی قیمت‌ها است

رشد نقدینگی از ۴۰ درصد عبور کرده و تورم نقطه به نقطه
نیز همین‌طور و در حال لمس کردن مرز ۵۰ درصد هستند

چنانچه دستگاهی ارزش‌ترجیحی گرفت باید به اندازه و به هنگام و متناسب با ارزش‌ترجیحی که دریافت
می‌کند گزارش بدهد که کالا به دست مردم برسد اما هیچ گزارشی طی این چند سال داده نشده است

در اثر فشار تورمی به‌ویژه در ماه‌های اخیر حتماً بخش
قابل توجهی از جامعه آسیب‌دیده که باید جبران شود

نقطه قوت اقتصادی دولت چهاردهم را باید از خودشان
پرسید؛ حتماً وجود دارد اما من نمی‌دانم

نکته مثبت آقای پزشک‌یان این بود که به جای اینکه برنامه هفتم را نادیده
بگیرد اعلام کرد که برنامه‌اش همین برنامه است اما در عمل مشاهده
می‌شود که دولت به سمتی می‌رود که از برنامه هفتم فاصله بگیرد

اگر ارزش‌ترجیحی دارند، بدهند اما اگر ارزش‌ترجیحی
ندارند، توضیح بدهند که از چه محلی و
چگونه آن را تأمین کرده‌اند و خواهند کرد؟

حتی اگر قبل از درگیری نظامی را هم بررسی کنیم متوجه می‌شویم که در حوزه‌های
مختلف از رشد تولید تا سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی و صادرات چه نفتی و چه غیر
نفتی نه تنها شرایط رو به بهبودی نداشته‌ایم بلکه رو به کاهش نیز بوده است

من معتقدم حتی اگر جنگ نمی‌شد هم روندهای اقتصاد
ایران نه تنها رو به بهبود نبود بلکه رو به تخریب بود

سید شمس الدین حسینی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با چارسوق تشریح کرد؛

نقطه ضعف

دولت چهاردهم افزایش تورم است

- عملکرد نامناسب دولت چهاردهم در حوزه اقتصاد، تورم است؛ بیشترین نارضایتی و گلایه عامه مردم از گرانی و افزایش پی‌درپی قیمت‌ها است
- رشد نقدینگی از ۴۰ درصد عبور کرده و تورم نقطه به نقطه نیز همین‌طور و در حال لمس کردن مرز ۵۰ درصد هستند

گفت وگو

سید شمس‌الدین حسینی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس و وزیر اقتصاد در دولت‌های نهم و دهم در گفت‌وگویی با روزنامه چارسوق درباره تصمیمات مختلف دولت چهاردهم مانند حذف ارز ترجیحی و وضعیت شاخص‌های اقتصادی در یک سال گذشته سخن گفت. او در بخشی از این مصاحبه تاکید کرد که روند اقتصاد ایران قبل از جنگ ۱۲ روزه رو به افول بود و اگر جنگ هم پیش نمی‌آمد باز هم نمی‌توانستیم توفیقی در حوزه اقتصاد طی سال ۱۴۰۴ به دست بیاوریم، مشروح این مصاحبه به شرح زیر است:

شرایط اقتصاد ایران در سال‌های اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید و فکری می‌کنید که چه مسیری را طی می‌کنند؟

واقعیت امر این است که اقتصاد ایران را می‌شود از منظر روند و عملکرد ارزیابی کرد و می‌توان از منظر ظرفیت و آینده و برنامه به آن توجه کرد. اگر ما از منظر عملکرد و روند به آن نگاه کنیم طی دو سال اخیر یعنی در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ که متأسفانه با رویدادهای امنیتی دشواری مواجه بود عملکرد نامناسبی داشته‌است. به هر حال شاخص‌های اقتصاد کلان مشخص هستند. اگر بخواهیم براساس رشد صحبت کنیم از رشد حدود ۵ درصد در سال ۱۴۰۲ به حدود ۲ درصد در سال ۱۴۰۳ رسیسیم و متأسفانه باید گفت که این عدد در سال ۱۴۰۴ به سمت صفر و حتی اعداد منفی در حال حرکت است.

اگر بخواهیم بر اساس متغیر نقدینگی یا تورم صحبت کنیم روند نقدینگی و تورم رو به رشد است و هر دوی این متغیرها از مرز ۴۰ درصد عبور می‌کنند و پیش‌بینی‌هایم روند مناسبی را نشان نمی‌دهد. به نظر بنده باید دو دسته عامل را در نظر گرفت دسته اول سیاست‌های اقتصادی است که در مجموع طی سالیان گذشته از جمله در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ چنین وضعیتی را برای ما رقم زده است و دسته دوم محیط خارجی و رویدادهای امنیتی است.

امروز ما با ناترازی‌های مرکب مواجه هستیم. اگر به انرژی نگاه کنیم مادر سال ۱۳۹۸ صادرکننده خالص فرآورده‌ها بودیم و چیزی حدود ۶ میلیارد دلار فرآورده صادر می‌کردیم اما اکنون با در نظر گرفتن تهارت، چیزی در حدود ۶ میلیارد دلار وارد می‌کنیم. به رغم این روند مشاهده می‌کنیم که ما ناگزیریم برق و گاز خانه‌ها و کارخانه‌ها را قطع کنیم تا جایی که وزارت صمت عدم التفع صنت را از این منظر چیزی حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌کند که به نظر من دغدغه بالاتر از این است. این را می‌توان در بازارهای دیگر هم دید زمانی که شما با کمبودهای انرژی مواجه می‌شوید، انرژی واحدهای تولیدی و خدماتی را قطع می‌کنید. حتماً نتیجه آن کاهش رشد اقتصادی خواهد بود و حتماً نتیجه دیگران کاهش مازاد تراز پرداخت‌ها و در نهایت فشار بر روی نرخ ارز خواهد بود.

اگرچه برخی از امور در دست مقامات اقتصادی نیست، اما در عرصه اقتصاد برنامه‌های دولت‌های مختلف نیز شمرتم‌ر واقع نشده است. این جهل مزه خارج‌جه دولت چهاردهم است. مادر شرایطی که در حال مذاکره بودیم میز مذاکره را منفجر کردند؛ بنابراین ما ناگزیر هستیم که به رغم اینکه شرایط محیط خارجی بسیار تلخ است، آن را به صورت داده شده فرض کنیم؛ اما آیا سیاست‌گذاری‌هایی که ما در حوزه انرژی و صدور مجوزهای کسب‌وکار پیش می‌گیریم، به تحریم بازمی‌گردد؟ قطعاً پاسخ خیر است. به همین دلیل من معتقدم اگر از منظر ظرفیت‌ها و برنامه‌های اصلاحی به اقتصاد توجه کنیم، هرچند زمان‌زمان زیادی نداریم اما هنوز زمان داریم به شرطی که تصمیم بگیریم.

قدرم وعز و اراده برای عمل به برنامه هفتم در دولت وجود دارد. با توجه به این که برنامه هفتم از شعارهای دولت چهاردهم است؟

ابتدا بحث قبل را تکمیل کنم، با توجه به احکام برنامه هفتم و قوانین دیگری مانند قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها و طرح‌های پیشران برنامه که پیش‌بینی شده، برای اینکه ما رشد اقتصادی را نه از مسیر پروژه‌های عمرانی دولت بلکه از منظر کارهای اقتصادی که مردم باید انجام دهند، فضا برای کار وجود دارد. اگر بخواهیم به چند مورد مشخص در برنامه هفتم اشاره کنیم به طور مثال سیاست‌های ارزی ما روشن است. در



یعنی قابلیت اجرا دارد؟

از منظر جهت‌گیری و پس از آن از منظر به هدف اصابت کردن قابل بحث است. باید در وهله اول توجه کرد که برنامه هفتم جهت‌گیری‌ها و اصولی دارد. به طور مثال یکی از اصول این است که ما به سمت تأمین مالی رشد غیرتورمی و مبتنی بر تقویت اقتصاد غیردولتی برویم آیا این جهت‌گیری قابل تحقق نیست؟ حتماً قابل تحقق است.

از وزارت‌خانه‌هایی مانند ورزش و توارزخانه‌های اقتصادی ما بسیاری دارایی غیرمولد دارند. به طور مثال وزارت ورزش در شمال کشور و در بهترین نقطه ۲۰ هکتار زمین دارد و تاسیسات بسیاری در آن ایجاد کرده است نه تنها از آن درآمد کسب نمی‌کند بلکه در آن هزینه بیجا می‌کند. آیا این‌ها قابلیت اصلاح جهت‌گیری ندارد؟ حتماً دارد. آیا در حوزه سیاست‌های ارزی احکام برنامه هفتم ماده ۱۱ قابلیت اجرا ندارد؟ حتماً قابلیت اجرا دارد. اگر جلتورم ایران ماده ۴۸ در خصوص قیمت‌گذاری قابلیت اجرا ندارد؟ حتماً دارد.

اما زمانی که ما به صورت زیرنگاری این احکام را اجرایی کنیم از جهت‌گیری برنامه فاصله می‌گیریم زمانی‌که می‌پرسد آیا ممکن است رشد ۸ درصدی اتفاق نیفتد؟ بله امکان دارد محقق نشود، اما بحث بر سر این است که آیا برای بهبود فضای سرمایه‌گذاری نمی‌توانیم حرکت کنیم؟ البته دولت نمی‌گوید من نمی‌خواهم برنامه هفتم را اجرا کنم. نکته مثبت آقای پزشکیان این بود که به جای اینکه برنامه هفتم را نادیده بگیرد اعلام کرد که برنامه‌اش همین برنامه است اما در عمل مشاهده می‌شود که دولت به سمتی می‌رود که از برنامه هفتم فاصله بگیرد و در این صورت باید برنامه جدیدی ارائه کند بنابراین نمی‌گوئید اجرایی نمی‌کنم بلکه می‌گوئید احکام قابل تحقق نیست؛ اما درواقع احکام قابل تحقق است، ممکن است بخشی از ارتفاع اهداف را نتوانیم تحصيل کنیم.

ما در مجلس از ظرفیت ماده ۱۱۸ استفاده می‌کنیم، البته معتقدم ما نباید نظارت‌مان را موقوف و محدود به ماده ۱۱۸ کنیم و هر سال صبر کنیم تا شهریورماه دولت گزارش را بیاورد و هر سال می‌گوییم چه میزان جلو یا عقب هستیم. اگرچه ماده ۱۱۸ نسبت به سازوکار برنامه‌های قبلی مکانیسم خوبی است اما در هر حوزه‌ای باید نظارت مستمر انجام دهیم. به طور مثال در حوزه بانک که بحث افزایش سرمایه، واگذاری سهام و دارایی‌های بانک‌ها و بهبود ساختار ترانزانه را دارد باید پیگیری مستمرمان بر صورت بگیرد یا حتی ماده ۱۱ باید پیگیری شود.

ما در حوزه‌های مختلف احکامی داریم که در قوانین بوده چه در جداول یا ساختار جدید باید ترمیم شود اگر این کار را نکنیم ما هم در ناکامی و آنچه که از نظر من ناترازی و ناکارآمدی مرکب است شریک هستیم.

انبارهای لازم برای نظارت بر اجرای برنامه در مجلس وجود دارد؟

ابزار داریم، اما استفاده از این ابزارها سخت شده است به طور مثال ابزارهای مجلس از تذکر و تحقیق و تفحص شروع می‌شود تا استیضاح ولی در عمل با محدودیت‌هایی مواجه شده است.

طبق آمارها روند رشد تورم به خصوص در کالاهای اساسی طی یک سال اخیر افزایشی بوده است. دلیل این اتفاق چیست؟

برش

درباره اینکه عده‌ای به دنبال حذف ارز ترجیحی و تخصیص کالا بزرگ هستند چه نظری دارید؟

دولت هر آنچه که می‌توانسته بر اساس اجازه قانونی و درآمد محقق شده ارز ترجیحی بدهد داده است پس اساساً اینکه فکر کنیم می‌خواهند ارز ترجیحی را حذف یا اصلاح کنند و کالابرگ بدهند اطلاعات ناقص و غلطی است مطلب از این قرار است که دیگر ارز ترجیحی ندارند. در اثر فشار تورمی به‌ویژه در ماه‌های اخیر حتماً بخش قابل توجهی از جامعه آسیب‌دیده که باید جریان شود اما توجه داشته باشیم اگر شیوه جریان منجر به افزایش پایه پولی و نقدینگی و تورم شود اثر فکشن بلافاصله از بین خواهد رفت. ششک نباید آغذرد تبعات منفی داشته باشد که در آینده نزدیک درد را تشدید کند اگر درد، تورم است. ششک ما از منابع پولی یا به پولی کردن هزینه یا به عبارت روشن‌تر با استفاده از تنخواه از خزانه و افزایش پایه پولی بخواهیم برای مردم جبران کنیم حتماً فکشنی است که سریع اثر تسکینی‌اش محومی شود و طولی نمی‌کشد که فشارها و دردهای تورمی را تشدید می‌کند.

دید که فشار را بیشتر کند.

چه پیشنهادی برای اصلاح الگوی حکمرانی

اقتصادی در این زمینه می‌توان به دولت داد؟

اولین موضوعی که می‌خواهم بگویم این است که دولت باید انگاره‌های حاکمیت و حکمرانی‌اش را اصلاح کند؛ قانون اساسی ما می‌گوید دولت نباید کارفرمای بزرگ باشد یعنی در حوزه عمران و حوزه‌های مختلف دولت نباید کارفرمای اصلی باشد اما امروز در امور مختلف همچون راه‌سازی، بیمارستان‌سازی و مدرسه‌سازی و ورزشگاه‌سازی اینطور نیست. وزارت ورزش و جوانان شرکت ساختمانی دارد یعنی مدیرعامل و هیات مدیره و باغ و ویلا دارد و جالب این است که این‌ها عمدتاً ساختار دوگانه دارند یعنی در استان یک ورزشگاه را شرکت ساخت می‌سازد و کارفرما شرکت ساخت است و دیگری را اداره کل ورزش. ما در حوزه فعالیت‌های عمرانی همچنان دنبال تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هستیم یعنی دولت مالک شود و زمانی که دولت مالک شود دیگر نمی‌تواند کارفرما نباشد اگر زمانی بازگشتیم به این سمت که دولت به جای اینکه به فکر تملک دارایی‌های سرمایه‌ای باشد در جهت مشارکت در ایجاد دارایی‌های سرمایه‌ای عمل کند، شرایط متفاوت است.

ما در قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها صراحتاً اختیار مشارکت دولتی خصوصی یا PPP را به دولت داده‌ایم اما من هیچ تحرکی نمی‌بینم نه در بودجه تحرکی می‌بینم و نه دستگاه‌ها مثل وزارت ورزش و نه وزارت راه و شهرسازی و دیگران چیزی نمی‌بینم.

جلوتر بیاایم قانون اساسی ما می‌گوید تأمین نیازهای اساسی با دولت است کجا گفته است که تولید کالا و خدمات اساسی با دولت است؟ اما نگاه می‌کنیم ما یک وزارت آموزش و پرورش بسیار بزرگ داریم و متأسفانه روز به روز هزینه‌های آن افزایش پیدا می‌کند و در مقابل معدل نمرات دانش آموزان در حال کاهش است و تا جایی جلو می‌رویم که شاهد تخلف در برگزاری آزمون‌ها هستیم.

چند سال گذشته که افزایش نقدینگی و تورم به دنبالش ایجاد شده، چگونه تأمین ارز ترجیحی بوده است. مجدد تاکید می‌کنم در سال گذشته دولت هر آنچه که اجازه قانونی داشته که از ترجیحی بدهد ارز ترجیحی داده است چند قلم کالای مشمول را هم حذف کرده و به رغم اینکه چند قلم را حذف کرده باز هم نه تنها از مجوه هفتم قانونی درآمدم استحصال شده استفاده کرده بلکه از ذخایر بانک

مخوابیم یک انجمن علمی درست‌کنیم با دخالت‌های بی‌جای دستگاه‌ها مواجه هستیم اگر بخواهیم یک انجمن علمی درست کنیم حتی اگر تمام افراد هیات علمی باشند مجدد گزینش می‌شوند که این‌ها همه هزینه‌است. پس اگر ما رفتیم به این سمت که دولت بپذیرد مردم خود می‌توانند کار خودشان را انجام دهند و چنانچه رفتیم به این سو که برنامه هفتم را اجرا کنیم نه در دولت چهاردهم اما به طور کلی حتماً دلیل اصلی ناکارآمدی‌های نهادی ما، مشکلات ساختاری ما و سیاست‌گذاری نامناسب و طبعاً مدیریت اجرایی ضعیف ما است.

چقدر از تورم موجود و شتاب گرفتن تورم ناشی از سیاست‌های اقتصادی دولت‌هاست؟

نه در دولت چهاردهم اما به طور کلی حتماً دلیل اصلی ناکارآمدی‌های نهادی ما، مشکلات ساختاری ما و سیاست‌گذاری نامناسب و طبعاً مدیریت اجرایی ضعیف ما است.

آیا سیاست‌های اقتصادی دولت علت شتاب گرفتن تورم در یک سال اخیر است؟

اگر اینطور تحلیل کنیم که علت شتاب گرفتن تورم، دولت به مفهوم دولت چهاردهم است من فکرمی نمی‌گیرم منصفانه و غیر کارشناسی است اما اگر بخواهیم بگوئیم مسئله ریشه در ناکارآمدی نهادی، ساختاری، سیاست‌گذاری و مدیریت اجرایی نهاد دولت دارد قطعاً من به این باور دارم. نگاه کنیم آیا در مجموع اصلاحات نهادی در حوزه حکمرانی اقتصادی انجام دادیم که منجر به پایین آمدن هزینه شود؟ آیا ما اصلاحات نهادی و ساختاری که منجر به کاهش شدت انرژی شود را انجام دادیم؟ آیا ما اصلاحات نهادی یا ساختاری انجام دادیم که منجر به بهبود محیط کسب‌وکار شود؟ این‌ها وظیفه حکمرانی و دولت است؛ قطعاً پاسخ منفی است لذا من معتقدم که ریشه این ناترازی‌ها که منجر به پایین بودن رشد اقتصادی، افزایش رشد نقدینگی و افزایش تورم می‌شود حتماً ناکارآمدی و ناترازی در حکمرانی است البته تهدیدات و درگیری‌های نظامی این مسئله را تشدید کرده است.

چقدر از نایب‌سامانی‌های اخیر ناشی از وجود تحریم‌هاست؟

در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ تا پیش از موضوع مکانیسم ماشه تحریم‌ها تفاوت چشمگیری نداشته‌است مواردی مانند فروش نفت ما و حتی چگونگی انتقال پول چندان سخت‌تر نشده بود. البته فعال شدن مکانیسم ماشه، افزایش تحرکات آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها حتماً تأثیرگذار خواهد بود.

یعنی نقش تحریم‌ها بیشتر شده است؟

در چندماه اخیر و تأی بله اما اگر به سال ۱۴۰۲ و ابتدای ۱۴۰۴ برگردیم من گزارشی دریافت نکردم اما پس از مکانیسم ماشه به نظرمی رسد تحرکاتی را از سوی آمریکا می‌توان

اما هر آنچه پیش‌بینی می‌کند تا پایان سال درآمد داشته باشد را خرج کرده است.

البته سال گذشته هم دولت بیشتر از آنچه که مطابق قانون بودجه در دسترس داشته ارز ترجیحی را خرج کرده و حتی از منابع دیگر هم استفاده کرد.

آیا این نکته درست است که با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی، مرغ و گوشت گران می‌شود؟

بی‌تأثیر نیست؛ اینکه بگوئیم تأثیر صفر است حرف درستی نیست و حتماً مقداری تورم فشار هزینه در پی خواهد داشت اما باید به نکته دیگری توجه داشت و آن اینکه آیا دولت‌های دیگر و کشورهای دیگر نمی‌توانند به بانک مرکزی خود فشار بیاورند و آرتاچه که در کشور ما رویه است، همچون استفاده از تنخواه از بانک مرکزی و بارانه بدهند، پیروی کنند این سؤال بسیار کلیدی است که اصولاً به آن پرداخته نمی‌شود و اینجا همان جایی است که ما با مردم روراست نیستیم.

آیا تأمین ارز ترجیحی با هزینه تورمی همراه نبوده است؟

مهم‌ترین بایکی از مهم‌ترین عامل‌های رشد نقدینگی در سال‌های اخیر چگونگی تأمین مابه‌التفاوت ارز ترجیحی بوده است. چراکه دولت بیشتر از آن میزان که ارز ترجیحی در دسترس داشتند ارز ترجیحی خرج کردند اما مابه‌التفاوت آن را چگونه جبران کردند؟ با طلبکار کردن بانک مرکزی. برخی فکرمی‌کنند تا دوم ارز ترجیحی بدون هزینه افزایش پایه پولی، نقدینگی و تورم است؛ اما من می‌گویم؛ بله اگر ارز ترجیحی دارند، بدهند اما اگر ارز ترجیحی ندارند، توضیح بدهند که از چه محلی و چگونه آن را تأمین کرده‌اند و خواهند کرد؟

معاون بانک مرکزی در جلسه رسمی کمیسیون اقتصادی گزارش داد که یکی از عوامل اصلی افزایش پایه پولی در چند سال گذشته که افزایش نقدینگی و تورم به دنبالش ایجاد شده، چگونگی تأمین ارز ترجیحی بوده است. مجدد تاکید می‌کنم در سال گذشته دولت هر آنچه که اجازه قانونی داشته که از ترجیحی بدهد ارز ترجیحی داده است چند قلم کالای مشمول را هم حذف کرده و به رغم اینکه چند قلم را حذف کرده باز هم نه تنها از مجوه هفتم قانونی درآمدم استحصال شده استفاده کرده بلکه از ذخایر بانک

مرکزی هم استفاده کرده و امسال هم همین اتفاق افتاده است و علیرغم آن، بخش قابل توجهی از رشد نقدینگی برمی‌گردد به منبئی که استفاده می‌کنیم تا کسری ارز ترجیحی را جبران کنیم. یک دستگاه‌ای را به صورت صوری و دروغین درست کردند که عده‌ای خود را طرفدار مـردم و رفاه مردم و ارزانی می‌دانند و گروه دیگری را طرفدار گرانی معرفی می‌کنند؛ و هیچگاه با مردم صادقانه صحبت نکردند. به طور

چنانچه دستگاهی ارز

ترجیحی گرفت باید به اندازه

و به هنگام و متناسب با ارز

ترجیحی که دریافت می‌کند

گزارش بدهد که کالابه

دست مردم برسد اما هیچ

گزارشی طی این چند سال

داده نشده است

در اثر فشار تورمی به‌ویژه

در ماه‌های اخیر حتماً بخش

قابل توجهی از جامعه

آسیب‌دیده که باید جبران

شود

اگر ارز ترجیحی دارند،

بدهند اما اگر ارز ترجیحی

ندارند، توضیح بدهند که از

چه محلی و چگونه آن را تأمین

کرده‌اند و خواهند کرد؟

کنیم؟ از بانک مرکزی استقراض کنیم؟ آیا استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول پر قدرت اثر تورمی ندارد؟

اگر واقعاً ارز ترجیحی دارید و در دادن ارز ترجیحی با مضیفه مواجه نیستید، پس همه نیاز کشور را بر نرخ ترجیحی بدهیم یا حتی دو نرخ نمی‌کنیم یعنی بانک مرکزی آتقدیر ارز داشته باشد که با عرضه فراوان یک نرخ را حاکم کند اما همانطور که پیشتر عرض کردم دولت هر آنچه سهم خودش بوده را برداشته و با نرخ ترجیحی داده و از ذخایر بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی هم استفاده کرده است.

برای اجرای این سیاست دولت حتی در مقطعی، از بازار، ارز خریده است. در مقطعی به فرض ارز ۲۰ هزار تومان خریده و به واردکننده ۴۲۰ تومان فروخته و به ازای هر یک دلار ۱۶ هزار تومان پایه پولی را افزایش یافته ضرب فراینده ۸ است، یعنی ۸ ضرب ۱۶ هزار می‌شود ۱۲۸ هزار تومان که به ازای هر دلار نقدینگی رشد کرده‌است زمانی که پایه پولی رشد پیدا کند نقدینگی رشد پیدا می‌کند و در پی آن تورم بالا می‌رود.

این که بگوئیم ارز ترجیحی بدهیم تورم را کنترل کنیم یک تحلیل ناقص است. باید بحث را ادامه دهیم که چگونه تأمین آن را جبران می‌کنیم آیا این شیوه تأمین ارز ترجیحی منجر به افزایش پایه پولی و نقدینگی و تورم نشده است؟ اگر نشده پس بانک مرکزی بایانه بدهد که نشده است تا من گزارش‌های رسمی را به آنها ارائه دهم.

پس شما معتقدید دولت دیگر منابعی برای اعطای ارز ترجیحی ندارد؟

بر اساس عملکرد، ارز ترجیحی ندارد؛ اما سؤال به وجود می‌آید که آیا امکان دارد دولت از محل‌های دیگر این را تأمین کند؟ پاسخ این است که باید بررسی شود اما من می‌گویم این یک سوء تفاهم است و می‌تواند برای آینده سیاست‌گذاری مخرب و پرهزینه باشد که ما بگوئیم می‌خواهند ارز ترجیحی را حذف کنند و کالابرگ بدهند تصریح می‌کنم این دو به هم متصل نیستند، چون ارز ترجیحی نیست که بخواهند آن را به کالابرگ تبدیل کنند.

ادامه در صفحه ۳



مجلس در عدم استیضاح وزرا برای مقابله با تورم و گرانی مقصر است

نماینده مردم تهران در مجلس با انتقاد از اظهار نظر رئیس جمهور مبنی بر اینکه مجلس عامل تورم است، گفت: مجلس مقصر است چراکه اگر وزرای جهاد کشاورزی و راه و شهرسازی را استیضاح می کرد مشکلات معیشتی مردم و دامپروران و گرانی و انحصار در بازار مسکن شکل نمی گرفت. به گزارش خانه ملت، علی خضریان در نشست علنی یکشنبه، ۱۶ آذرماه مجلس شورای اسلامی در تذکر شفاهی خطاب به رئیس جمهور گفت: دکتر پزشکیان گفتند، مجلس عامل تورم است، جای دارد من از طرف مجلس از ایشان عذرخواهی کنم که اگر زمینه تورم را فراهم کرده ایم. نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: اما آقای دکتر پزشکیان جای شما خالی است که ۱۲ سال پشت مجلس حضور داشتید و بخش عمده ای را در مجلس یازدهم قدم می زدید و خودتان هم جزئی از همین مجلس بودید.

وی یادآور شد: قیمت برنج که برای مردم معلوم است با ارز ۲۸۵۰۰ تومان باید الان کیلویی ۲۶۰۰۰ تومان در بازار باشد، بله مجلس مقصر است که تورم شکل گرفته است و الان در بازار برنج هندی کیلویی ۱۴۵۰۰ تومان به فروش می رسد. این نماینده مردم در مجلس دوازدهم افزود: اگر مجلس وزیر شما را توبیخ و استیضاح می کرد این اتفاق رقم نمی خورد یا مسکن گران است. اگر مجلس وزیر راه و شهرسازی را استیضاح می کرد این انحصار مسکن که ایجاد کردید شکل نمی گرفت.

وی خاطر نشان کرد: ما مقصریم که با شما همراهی کردیم و هشت میلیارد دلار برای نهاده های دامی گذاشتیم که شما در وزارت جهاد کشاورزی برای عواملی گذاشتید که انحصار ایجاد کرده اند و دلاران بدنامی که در حوزه نهاده های دامی اقدامات مختلفی انجام دادند و امروز معیشت مردم و دامپروران را به گروگان گرفته اند.

خضریان تاکید کرد: ما مقصریم و این حرف شما را قبول داریم. اگر با شما همراهی نمی کردیم شاهد کم کاری ها و عملکرد نامطلوب وزرا نبودیم، اما تلاشمان در همراهی با شما بوده است.



دستور رئیس جمهور برای رفع محدودیت گاز صنایع اجرا نشد

عضو انجمن فولاد گفت: طبق دستور رئیس جمهور قرار بود محدودیت های گازی برای صنایع صادرات محور از جمله فولاد در آذرماه برداشته شود، اما تاکنون دستور رئیس جمهور اجرا نشده است. وحید یعقوبی معاون اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران گفت وگو با خبرنگار مهر درباره محدودیت های گاز صنایع فولادی در آذرماه گفت: محدودیت های گاز صنایع فولاد از اول آذر اعمال شد. در جلسه ای که آقای اتابک وزیر پیگیری کردند و رئیس جمهور نیز دستور داده بود، قرار بود محدودیت ها برای صنایع صادرات محور از جمله فولاد برداشته شود، اما تاکنون این محدودیت ها هنوز برداشته نشده و دستور رئیس جمهور اجرا نشده است. ما منتظریم شرکت ملی گاز این دستور را اجرایی کند و این در حالی است که آذر به نیمه خود رسیده است.

وی افزود: علت اجرا نشدن دستور هنوز مشخص نیست. برخی می گویند باید زیرساخت آماده شود، اما توضیح دقیق و منطقی ارائه نشده است. اصل قضیه این است که دستور رئیس جمهور برای برداشتن محدودیت های گاز فولادی هنوز اجرا نشده و الان برخی شرکت ها بین ۵۰ تا ۳۰ درصد محدودیت گاز دارند.

یعقوبی گفت: محدودیت ها بر حسب مترمکعب در روز اعلام می شود. طبیعتاً با این وضعیت، تولید و صادرات کاهش پیدا می کند. دلیل دستور رئیس جمهور برای برداشتن محدودیت ها، توسعه صادرات و ارزآوری بوده است. اگر تولید نکنیم، نمی توانیم صادرات داشته باشیم. وی افزود: هر ساله برنامه مدیریت مصرف از دی ماه اجرا خواهد شد و معمولاً محدودیت ها ماهانه یا حتی روزانه تعیین می شوند. اگر هوا خیلی سرد شود، محدودیت ها تا ۹۰ یا ۹۹ درصد هم افزایش پیدا می کند. عضو انجمن فولاد درباره وضعیت تأمین برق صنایع گفت: وضعیت برق صنایع فعلاً صفر است، اما اگر کمبود گاز داشته باشیم و مصرف خانگی افزایش پیدا کند، برق صنایع هم قطع خواهد شد.

وی تصریح کرد: طبیعتاً اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، هم تولید کاهش می یابد و هم صادرات آسیب می بیند. دلیل اینکه رئیس جمهور دستور برداشتن محدودیت ها را صادر کرد، توسعه صادرات و ارزآوری بوده است. اگر تولید نکنیم، چگونه می توانیم صادرات داشته باشیم؟ متأسفانه در کشور ما صنایع مولد در اولویت اول قطع انرژی قرار می گیرند، در حالی که در دنیا معمولاً آخرین حلقه محدودیت ها هستند. صنعت فولاد به عنوان دومین منبع ارزآوری کشور اهمیت بالایی دارد، اما وضعیت فعلی نشان می دهد که این بخش هم آسیب پذیر شده است.

گفتنی است، در جلسه اخیر کارگروه ملی بهینه سازی تقاضای گاز و برق که با حضور رئیس جمهور برگزار شد، پزشکیان شخصاً دستور داد که در آذرماه هیچ محدودیتی برای صنایع صادرات محور اعمال نشود. بر همین اساس مصوبه کارگروه که پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان متولی مدیریت بخش صنعت بود، این شد که در آذرماه عملاً هیچ محدودیت گازی برای صنایع فولاد و پتروشیمی صادرات محور اعمال نشود.

تورمی که در سبد کالایی کارگران در زمان مذاکرات مزدی پیش بینی شده بود، اکنون با واقعیت های اقتصادی قابل مقایسه نیست. به ویژه در ماه های اخیر، کنترل قیمت ها از دست خارج شده و بازار به حال خود رها شده است؛ در این شرایط هرکس هراقدامی که می خواهد انجام می دهد، به ویژه در زمینه لبنیات و اقلام حیاتی سفره کارگران.

به گزارش ایلنا، آنچه در اواسط آذرماه ۱۴۰۴ بر معیشت جامعه کارگری می گذر، صرفاً یک نوسان قیمتی نیست؛ یک ناترازی مالی ویرانگر است که با رشد چند ده درصدی بهای محصولات لبنی از ابتدای سال، در برابر افزایش ۴۵ درصدی حداقل دستمزد پایه، قد علم کرده است. این شکاف فاحش، اقلام حیاتی را از سبد مصرفی فقیر آسیب پذیر رانده و با تحمیل تورم سنگین به دهک های کم درآمد، سند آسیب پذیری بیشتر کارگران را امضا کرده است. فعالان کارگری تأکید می کنند این بی نظمی اقتصاد، در ماه های اخیر تشدید شده و تمامی افزایش مزدی امسال را خنثی کرده است.

فروپاشی قدرت خرید و فرسایش سرمایه انسانی

بررسی دقیق شاخص های اقتصادی نشان می دهد که تورم در سال جاری با جهشی حیرت انگیز، به سرعت به سمت تضعیف کامل قدرت خرید کارگران پیش می رود. رشد بیش از صد درصدی بهای محصولات لبنی، مستندترین گواه بر این گسست اقتصادی است. این نرخ از مقایسه قیمت شیر پرچرب ۱ لیتری در ابتدای سال (حدود ۳۰ هزار تومان و یا کمی بیشتر) با نرخ حیرت آور ۸۵۰۰۰ تومانی آن در هفته دوم آذرماه به دست آمده است. این جهش قیمتی در حالی بر خانوار کارگری تحمیل می شود که حداقل حقوق پایه کارگران تنها ۴۵ درصد افزایش یافته است. بنا بر گزارش های مرکز آمار، تورم تنها مهار نشده، بلکه به شکلی ناعادلانه توزیع شده است؛ نرخ تورم سالانه دهک اول (۲۱.۷ درصد)، به شکل مستند بالاتر از دهک دهم (۳۹.۵ درصد) ثبت شده است. این شکاف ۲.۲ واحد درصدی، به وضوح سهم بالای خوراکي ها را (با تورم نقطه به نقطه ۶۶.۲ درصدی و ۱۰۰.۲ درصدی نان و غلات) در سبد معیشت کارگران نشان می دهد.

نوسانات ساعتی قیمت و شوک های بی قاعده آذرماه
نظم اقتصادی بازار در اواسط آذرماه به کلی از بین رفته و دیگر صحبت از نوسان ماهانه نیست؛ قیمت ها در بازه های

۴۸ ساعته تغییر می کنند. قیمت یک بطری شیر، تنها در فاصله ۴۸ ساعت (از ۶ آذر به ۸ آذر)، ۹۰ هزار تومان افزایش یافته است. هم زمان، بحران به سایر اقلام ضروری نیز سرایت کرده است: تورم نان و غلات با رشد نقطه به نقطه ۱۰۰.۲ درصدی و میوه و خشکبار با ۱۰۸.۳ درصد جهش، دیگر بخش های سفره کارگرا نشانه رفته است.

پیامدهای اجتماعی بهداشتی: تهدید علیه سلامت نسل و سرمایه انسانی

حذف اجباری منابع کلسیم از سسبد غذایی، مستقیماً سلامت عمومی و سرمایه انسانی کشور را هدف قرار داده است. کمبود شیر در سنین رشد، منجر به عواقبی چون تأخیر در رشد قدی و راشیتیزم می شود؛ این در حالی است که عوارض حذف لبنیات در درازمدت (۱۰ تا ۱۵ سال بعد) به صورت پوکی استخوان و شکستگی لکن در سنین بالا خود را نشان می دهد که هزینه های درمانی سنگینی را به فرد و جامعه تحمیل می کند. آمارها و گزارش های تخصصی وضعیت را نگران کننده تر نشان می دهند:

سرانه مصرف نگران کننده: سرانه مصرف لبنیات در ایران حدود ۷۰ کیلوگرم به ازای هر فرد است، در حالی که این میزان در میانگین جهانی حدود ۱۶۰ کیلوگرم توصیه شده است. این شکاف بیش از ۵۰ درصدی نشان می دهد که گرانی های اخیر، وضعیت کمبود کلسیم در دهک های کم درآمد را به بحران تبدیل کرده است. هشدار وزارت بهداشت: مدیرکل دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت در واکنش به گرانی ها هشدار داده است که کاهش مصرف لبنیات می تواند اثرات بحران ناپذیری بر کودکان، زنان باردار و سالمندان داشته باشد. حتی آمار رسمی وزارت بهداشت در سال های گذشته نیز شیوع سوء تغذیه را در ۸۰۰ هزار کودک در سنین رشد (معادل ۱۵ درصد از کودکان) گزارش کرده بود که این امر نشان دهنده ناامنی غذایی روبه رشد در دهک های پایین است.

علی اصلائی، دبیر کانون شوراهای اسلامی کار استان البرز، ابعاد انسانی و اجتماعی بحران اقتصادی جاری را تشریح کرد و با اشاره به گستردگی جمعیت کارگری، به ایلنا گفت:

«متأسفانه حدود هفتاد تا هشتاد درصد جمعیت کشور، شامل بازنشستگان، قشر کارگری و سایر حقوق بگیران حداقل بگیر هستند. تورمی که در سبد کالایی کارگران در زمان مذاکرات

مزدی پیش بینی شده بود، اکنون با واقعیت های اقتصادی قابل مقایسه نیست. به ویژه در ماه های اخیر، کنترل قیمت ها از دست خارج شده و بازار به حال خود رها شده است؛ در

این شرایط هرکس هراقدامی که می خواهد انجام می دهد، به ویژه در زمینه لبنیات و اقلام حیاتی سفره کارگران. « وی با تشریح آشفتنی قیمت ها در اقلام اساسی افزود: «در سبد کالای کارگری، عمدتاً نان، تخم مرغ و گوجه مطرح است. در زمینه حیویات و لبنیات نیز تورم به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. در بهار و تابستان امسال، تخم مرغ نهایتاً شانهای ۱۴۰ هزار تومان بود؛ اما دیروز هنگام خرید، قیمت ها در فروشگاه های مختلف به ترتیب ۲۶۵.۲۷۵ و ۲۸۵ هزار تومان اعلام شد.»

اصلائی در توضیح چرایی این نوسانات گفت: «هنگامی که درباره این تفاوت قیمت ها سؤال می کنم، پاسخ می دهند که تخم مرغ ها دارای مارک ها و ویژگی های متفاوت هستند. این شرایط در بازار مرغ نیز مشاهده می شود: مرغی که چند ماه قبل، کیلویی ۸۵ تا ۹۰ هزار تومان بود، اکنون هر کیلویی ۱۵۵ تا ۱۶۵ هزار تومان قیمت دارد و با نام هایی مانند «مرغ سبزر» و «مرغ شماه» و «مرغ زنجانی» عرضه می شود. این واقعیت نشان می دهد که کنترل قیمت ها از دست متولیان خارج شده است. »

او نمونه ای از بی نظمی در بازار لبنیات را نیز بیان کرد: «قیمت دوگی که پیش تر ۵۲ هزار تومان بود، در دو سه هفته اخیر به ۷۳ هزار تومان رسیده است. فروشنده در پاسخ اعتراضات می گوید: «به خدا قسم من کاره ای نیستم؛ ما نیز هر روز فاکتورها را تغییر می دهیم و گرفتار هستیم.» این نشان می دهد که قیمت ها به طور مداوم در حال نوسان است. دبیر شورای اسلامی کار استان البرز در ادامه به ناتوانی دستمزدها در مقابله با هزینه های زندگی اشاره کرد: «حقوق دریافتی یک کارگر، شامل پایه حقوق ۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان، دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بن خواربار، ۹۰۰



تورم بیش از صد درصدی لبنیات

هزار تومان حق مسکن و ۵۰۰ هزار تومان حق تأهل است و با اضافه کاری نهایتاً ۲۰ میلیون تومان می رسد. با تورم فعلی، حقوق یک کارگر تنها ده روز زندگی معمولی او را تأمین می کند. باید از مسئولان پرسید که این کارگر برای ۳۰ روز باقی مانده چگونه زندگی خواهد کرد.»

اصلائی گفت: «در مورد دستمزد، انصافاً امسال وزیر و رئیس جمهور در شورای عالی کار بسیار کمک کردند و دستمزد خوبی نسبت به سال های گذشته به کارگران اختصاص یافت اما متأسفانه کنترل تورم عملی نشد و آن شیرینی افزایش دستمزد که در اسفندماه، جامعه کارگری را خوشحال کرده بود، از خردادماه به این سوتلخ شد.»

وی دزبهايت به پیامدهای اجتماعی گرانی ها اشاره کرد: «آثار این شرایط اقتصادی، مسائل اجتماعی خود را ۱۵ تا ۱۸ سال آینده نشان خواهد داد. مرکز پژوهش ها اعلام کرده که ۱۳ میلیون دختر و پسر بالای ۳۵ سال مجرد داریم و ۱۲ درصد ۲۰ سال آینده به ۳۵ درصد می رسد. جوانی که قادر به ازدواج نیست، می گوید: «با شلشازده میلیون تومان تنها می توانم تا پانزده روز هزینه زندگی خود را تأمین کنم. آیا پولی برای خرید شیر فرزندم خواهم داشت؟» وضعیت اقتصادی موجود دلیل اصلی این مشکلات اجتماعی است. »

بررسی دقیق شاخص های اقتصادی نشان می دهد که تورم در سال جاری با جهشی حیرت انگیز، به سرعت به سمت تضعیف کامل قدرت خرید کارگران پیش می رود. رشد بیش از صد درصدی بهای محصولات لبنی، مستندترین گواه بر این گسست اقتصادی است. این نرخ، از مقایسه قیمت شیر پرچرب ۱ لیتری در ابتدای سال (حدود ۳۰ هزار تومان و یا کمی بیشتر) با نرخ حیرت آور ۸۵۰۰۰ تومانی آن در هفته دوم آذرماه به دست آمده است. این جهش قیمتی در حالی بر خانوار کارگری تحمیل می شود که حداقل حقوق پایه کارگران تنها ۴۵ درصد افزایش یافته است

تورم بهای مواد شود

ناهمخوانی فاحش میان رشد بیش از صد درصدی بهای لبنیات و ۴۵ درصدی دستمزد کارگران، سندی از فرسایش بی وقفه قدرت خرید قشر کارگر در اواسط آذرماه ۱۴۰۴ است. فشار تورم بر دهک های کم درآمد، نه تنها معیشت را، بلکه سلامت نسل آینده و بنیان های اجتماعی کشور را هدف قرار داده است و تا زمانی که تورم اقلام حیاتی مهار نشود، عواقب برهزینه و ساختاری آن در جامعه ادامه خواهد داشت.

تقاضا، تعیین قیمت واحد و ثابت برای کالاهای وارداتی عملاً امکان پذیر نیست.

این فعال صنفی تصریح کرد: در چنین شرایطی، قیمت برنج خارجی نیز مانند سایر کالاهای غیرایرانه ای، باید در چارچوب ضوابط قیمت گذاری وارداتی تعیین و عرضه شود. خاکی تأکید کرد: رفع الزام تحویل کالا به دولت و حذف سازوکار سهمیه بندی واردات نیز از دیگر ضروریات ایجاب و تنظیم بازار است.

دبیر انجمن واردکنندگان برنج ایران در بخش دیگری از سخنان خود، گفت: مهم ترین پیش نیاز اجرای این مجموعه اقدامات، پرداخت حداقل بخشی از مطالبات ارزی انباشته واردکنندگان است تا جریان تأمین استمرار پیدا کند.

مطالباتی که به گفته وی از یک میلیارد یورو فراتر رفته است.

وی در ادامه توضیح داد: محموله هایی که از بهمن ماه سال گذشته وارد کشور و مصرف شده اند تا به امروز هیچ ارزی دریافت نکرده اند و همین مسئله علاوه بر تحمیل هزینه های سنگین، باعث شده تأمین کنندگان خارجی، تمایل چندانی برای عرضه محموله های جدید به طرف ایرانی نداشته باشند.



هفتم پیشرفت، قیمت گذاری دولتی به جز در مورد کالاهای اساسی یارانه ای، کالاهای و خدمات انحصاری و خدمات دولتی ممنوع شده است. وی ادامه داد: علاوه بر این، با توجه به شناور بودن نرخ ارز در تالار مبادله و وابستگی آن به عرضه و

بازار برنج منجر شود، رعایت چند الزام ضروری است. خاکی توضیح داد: نخستین گام برای ایجاد آرامش در بازار برنج، حذف قیمت گذاری دستوری است؛ زیرا طبق جز ۲ بند «ث» ماده ۴۸ قانون برنامه

ارز ۲۸۵۰۰ تومانی به خبرنگار مهر، گفت: خروج این

مصول از فهرست کالاهای مشمول ارز ترجیحی تصمیمی درست بود و باید زودتر اجرا می شد.

وی افزود: برای اینکه این تصمیم بتواند به هدف اصلی خود یعنی ایجاد فضای رقابتی و تعادل در

حذف ارز ترجیحی از برنج خارجی و انتقال

آن به تالار دوم آنر خ آن راهم مانند ارز مبادله ای، برای مصرف کننده شناور می کند؟

شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۴ وزیر جهاد کشاورزی در پاسخ به پرسش خبرنگار مهر که آیا ارز ترجیحی از برنج خارجی حذف شده است، پاسخ مثبت داد.

غلامرضا نوری فرالجله حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی از واردات برنج را تأیید کرد؛ موضوعی که پیش تر در تیرماه برای واردات و صادرات و ارزآوری برنج دومین محصول پرمصرف کشور پس از گندم است؛ یکی از غذاهای اصلی خانوار ایرانی که معمولاً مصرف روزانه دارد. اگرچه در ۳ سال اخیر سرانه مصرف آن روند کاهش به خود گرفته است. رصد هفتگی بازار کالاهای اساسی از کاهش چشمگیر محصولات ارزان تر از وارینه های برنج حکایت دارد. در دو ماه اخیر خبری از برنج هندی و پاکستانی در فروشگاه های زنجیره ای و خرده فروشی های سطح شهر نیست.

حال با تغییر ارزی این کالای اساسی، قرار است قیمت برنج در بازار داخل اعم از برنج ایرانی و خارجی چه وضعیتی داشته باشد؟ مجیدرضا خاکی، دبیر انجمن واردکنندگان برنج ایران، در خصوص قیمت و بازار برنج پس از حذف